

نمادشناسی گریفین و سیر تحولات فرمی آن در هنر ایران پیش از اسلام

چکیده

آثار هنری در طول قرون متمادی نمایشگر فرهنگ، باورها و عقاید هر قوم بوده و با تاریخ هنر اقوام پیوندی ناگسستنی دارد. بخش اعظم باورهای کهن هر تمدنی را خدایان، اسطوره‌ها و افسانه‌های آن تمدن شکل می‌دهند. از شخصیت‌های تاثیرگذار این اسطوره‌ها موجودات افسانه‌ای-خیالی هستند که بعضاً از ترکیب دو یا چند موجود دیگر پدید آمده‌اند. یکی از این موجودات ترکیبی مهم در افسانه‌های کهن ایران و تمدن‌های باستانی دیگر، گریفین یا شیردال یعنی موجودی نیمه عقاب، نیمه شیر می‌باشد. گریفین نخستین بار در هنر مصر و بین‌النهرین تجلی یافت اما در اسطوره‌های هند، ایران، یونان و روم نیز حضوری پررنگ داشته است.

در مقاله‌ی پیش‌رو ابتدا به معرفی این موجود افسانه‌ای پرداخته شده و ادامه نظریات مختلف درباره‌ی خاستگاه و ریشه‌های گریفین آورده شده است. بعضی آن را متعلق به سیت‌ها (اقوام شمال آسیا) می‌دانند. و عده‌ای ریشه‌ی آن را در داستان‌های هند و ایرانی می‌یابند و برخی نیز آن را بدوا متولد هند می‌دانند. سپس نمادشناسی گریفین بین اقوام مختلف بررسی و به مفاهیم گوناگونی چون نماد خورشید و روشنایی، قدرت پادشاه و نیرومندی لشکریان، نیروی محافظ و نگهبان (از جمله برای درخت زندگی)، برکت، خجستگی و خوش‌یمنی و... پرداخته شده است. در انتها نیز نمونه‌های گریفین در هنر پیش از اسلام ایران همراه با ویژگی‌ها و سیر تحولات فرمی گریفین به عنوان یک نقش‌مایه در دوران‌های مختلف پیش تاریخی، هخامنشی و اشکانی و ساسانی معرفی شده است. این نمونه‌ها از نخستین نمونه‌های گریفین مربوط به هنر مارلیک (۱۲۰۰ ق.م)

شروع شده و به بهترین نمونه‌های آن در هنر هخامنشی رسیده و ادامه‌ی آن کمرنگ‌تر و متفاوت‌تر در دوره‌ی اشکانی و در نهایت به تغییر شکل کلی این پرنده‌ی اساطیری در دوره‌ی ساسانی ختم می‌شود. در نمونه‌ی هخامنشی تاثیر هنر بین‌النهرین آشکار است اما نمونه‌های پیشین اکثراً متأثر از هنر مارلیک است.

مقدمه:

باورها، اعتقادات و نگرش مردمان به جهان پیرامون بخش اعظم هنر و فرهنگ هر ملت را تشکیل می‌دهد. آثار بزرگ هنری در طول قرون متمادی براساس این نگرش استوار بوده و با علم و آگاهی در این زمینه علاوه بر لذت بصری از زیبایی‌های هنری، به اندیشه‌ی سازندگان این آثار نیز پی می‌بریم چرا که هر خط، فرم و شکل برای خود مفهومی دارد. از آنجا که اصالت و عظمت یک قوم و فرهنگ آن مستقیماً در هنر آن جلوه می‌کند، بنابراین آثار هنری، نمایشگر فرهنگ و تمدن هر قوم بوده و با تاریخ هنر ملت‌ها پیوندی ناگسستنی دارد. آشنایی با فرهنگ و باورها از طریق مطالعه‌ی نقوش نمادین در هنرها امکان‌پذیر است زیرا که بیشتر نقوش و تصاویر سرشار از مفاهیم است. برای درک این مفاهیم ضرورت دارد که تمامی علائم و نقوش که در آثار هنری و تاریخی دارای ویژگی نمادین هستند، شناسایی شود. نمادهای به کار رفته در آثار هنری و تاریخی ایران اغلب بر مسایل آرمانی و اعتقادی مردم تکیه دارد. فرهنگ پیوسته‌ی ایران از دیرباز به باورها، داستان‌ها و اسطوره‌هایی مربوط بوده که هر کدام مبین نیازی خاص و بازتاب آرزویی ملی و جهت یافته بوده است. افسانه‌ها و اسطوره‌ها به عنوان جلوه‌ای از فرهنگ با خلاقیت قومی رابطه‌ای



آینه فلزی، لرستان.

مستقیم داشته‌اند و نقوش اسطوره همراه با راز و رمز بخشی از فلسفه‌ی نقش را به خود اختصاص داده است. در دنیای باستان اسطوره‌ها به عنوان جلوه‌ای از فرهنگ با خلاقیت قومی در رابطه‌ای مستقیم بوده و نقوش اسطوره و هنر خاستگاه و هدف مشترک داشته است. از عناصر مهم و عجیب با دنیای اساطیری موجودات خیالی و افسانه‌ای هستند با ترکیبی از دو یا چند موجود که مردم باستان برای آنها نیروی فوق‌العاده‌ای قائل بودند. این موجودات خیالی عقاید و افسانه‌های اساطیری را که در ذهن هنرمندان و سازندگان آن‌ها وجود داشته، منعکس می‌کنند. بعضی از آن‌ها از سابقه طولانی و سیر تکاملی در دنیای باستان برخوردار بوده‌اند و در محل‌ها و مناطقی که سنن باستانی مدت زیادی تداوم داشته در ادبیات، افسانه‌ها و اساطیر دوران‌های بعدی و نیز ساخته‌های هنری آن‌ها منعکس شده و باقی مانده است. یکی از این موجودات افسانه‌ای و نمادین شیردال یا به تعبیر باستان‌شناسان **گریفین** می‌باشد که از دیرباز بین تمدن‌های باستانی چون ایران، بین‌النهرین، هند، مصر و یونان شناخته شده و در هنر این اقوام جایگاه رفیعی داشته است. مقاله‌ی حاضر ابتدا به معرفی این موجود اساطیری و سپس خاستگاه، ریشه‌ها، موطن و مولد آن پرداخته و مفاهیم نمادینی که به گریفین نسبت داده می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرد. در نهایت با مقایسه‌ی نمونه‌های هنری به دست آمده از ایران پیش از اسلام تحولات فرعی این نماد بررسی خواهد شد.

معرفی گریفین:

گریفین (به تعبیر دانشمندان تاریخ هنر و باستان‌شناسی) یا شیردال (دال به معنای عقاب می‌باشد؛ فرهنگ معین) از مرغان اسطوره‌ای دنیای باستان می‌باشد. این موجود عجیب‌الخلقه که نمونه‌هایی از آن در افسانه‌ها و هنر بین‌النهرین، مصر، یونان، هند و ایران مشاهده شده از نیمه جلو به شکل عقاب و نیمه‌ی پشت شیر می‌باشد.^۱ این پرنده در بعضی از ادوار تاریخی ایران، هما نامیده شده است. در متون ادبی فارسی مرغی به نام هما آورده شده که جایگاه رفیعی در ادبیات و باورهای ایرانیان داشته است. چنان که آن را موجب سعادت می‌دانستند و می‌پنداشتند که سایه‌اش بر سر هر کسی افتد او را خوشبخت کند. هما یا همای در لغت به معنای فرخنده است و در فرهنگ معین نوعی عقاب معرفی شده است. در متون زرتشتی نیز از آن نام برده شده و وی را مظهر فره کیانی می‌دانستند. شیردال یا گریفین یا هما می‌تواند همان عنقا یا سیمرغ اساطیری و افسانه‌های سنتی نیز باشد که در شاهنامه‌ی فردوسی به آن اشاره شده است. بر کسی پوشیده نیست که اساطیر و داستان‌های تاریخی شاهنامه‌ی فردوسی براساس قدیمی‌ترین متون پهلوی ساسانی که آن نیز بدون شک از قدیمی‌ترین ادبیات و داستان‌ها و باورهای اولیه‌ی اقوام هند و ایرانی سرچشمه می‌گرفته تنظیم و سروده شده است.^۲ فردوسی در این کتاب عظیم از پرنده‌ای به نام سیمرغ داستان‌هایی ذکر کرده است. (سیمرغ در متون ادبی فارسی و عربی عنقا نیز نامیده شده است) در کتاب عجایب‌المخلوقات از عنقا، هما و عقاب نام برده شده و در اوصاف این سه پرنده آمده که عنقا از مرغان بزرگ و شاه مرغان است و همان است

که وی را سیمرغ نیز خوانند. در همین کتاب نقل شده که روزی سلیمان گفت همه‌ی کارها به دست پروردگار صورت می‌گیرد عنقا در پاسخ گفت "بله و نیز به خواست ما" سلیمان او را از این گفتار نهی کرد و به وی خبر داد که امشب در مغرب دختری به دنیا می‌آید و در مشرق پسری و تقدیر خدای متعال این است که این دو را به هم برساند. عنقا در اثبات گفته‌ی خویش گفت که من این قضا بگردانم مرغ دیگری به نام هامه را کفیل خود در دربار سلیمان کرد و خود در پی ربودن دختر رفت. دختر را در کوه قاف بر سر درختی رفیع که در زیر آن دریایی عظیم قرار داشت، سکنی داد. پروردگار چنان مقدر کرد که آن پسر به تجارت رو نهاد و روزی از ساحل این دریا بگذشت. دختری نیکوروی دید که بر سر درختی بلند در آشیانی نشسته و خود را دختر عنقا می‌خواند. پسر تا صدای پر عنقا را شنید درون شکم اسبی مرده که در آن نزدیکی بود، پنهان شد. تا این که سلیمان به سیمرغ گفت آنچه خداوند مقدر کرده بود تمام شد دختر را بیاور. سیمرغ چون خواست دختر به منقار گیرد و نزد سلیمان آورد دخترک از او خواست تا وی را درون شکم اسب نهاده و ببرد و سیمرغ چنین کرد و وقتی عنقا آن را پیش سلیمان نهاد، سلیمان گفت ای پسر و ای دختر بیرون آید و چنین کردند. عنقا خجل شد و ایمان آورد که از خیر و شر هر چه باشد به خواست پروردگار است و پس از آن عنقا به کوه قاف رفت و دیگر کسی او را ندید و هامه نیز از این خجالت در روز بیرون نیامد و به شب نوحه می‌خواند. هم‌چنین در عجایب‌المخلوقات در ذکر هما آورده شده است که هما مرغی خوش یمن و خجسته است که هر از گاهی ظاهر می‌شود و گرد شهر می‌گردد و سپس بر سر شخصی از ساکنان شهر می‌نشیند و آن سال برای این شخص مبارک و میمون خواهد شد. در این



toceratops و گریفین ارتباط برقرار کرده و شباهت‌های فیزیکی بین این دو جاندار را مطرح می‌کند. وی اضافه کردن تخیلی بال‌ها را به موجودی شبیه به Protoceratops محتمل می‌داند.

در مورد خاستگاه گریفین علی‌رغم حضور ستایش شده‌ی نمونه‌هایی از این موجود در هنر یونان باستان در بین اسطوره‌های تمدن یونان نمی‌توان جایگاه برجسته‌ای برای گریفین یافت. در تاریخ اسطوره‌شناسی یونان ذکر مختصری از گریفین به میان آمده و جدا از مورد توجه بودن آن به عنوان جانوری که اراپه‌ی خدایان و الهه‌های یونانی را به پیش می‌برد، در دیگر موارد به عنوان یک موجود کاملاً عادی با آن برخورد شده است. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که گریفین از طریق داستان‌های اقوام دیگر و ارتباط‌های فرهنگی وارد فرهنگ یونانی شده و ابتدا به ساکن متولد فرهنگ و افسانه‌های یونانی نیست.

اما اگر بخواهیم خاستگاه دقیق گریفین را بیابیم باید گفت همان گونه که اسامی متعددی برای این موجود ترکیبی ذکر شده و نیز با فرم‌های متنوعی در هنر ملل مختلف یا حتی در هنر دوران مختلف ایران و دیگر اقوام ظاهر شده است (در ادامه به آن پرداخته می‌شود) همین‌طور نیز از مکان‌های مختلفی به عنوان موطن اصلی این پرنده‌ی افسانه‌ای نام برده شده است که اگر بخواهیم بین همه‌ی آن‌ها اجماعی داشته باشیم به احتمال زیاد می‌توان گفت که آسیا خاستگاه گریفین یا شیردال می‌باشد. هرودت از رشته کوهی به نام Issedones در شمال آسیا نام برده است.

داستان آمده که مردم اتفاق نظر کردند که هما بر سر هر کس بنشینند او را پادشاهی دهند.

روزگاری دراز هما ناپدید شد روزی هندویی با شخص دیگری می‌رفت و می‌گفت اگر هما بر سر من نشیند این ولایت را خراب خواهم کرد و دیگری گفت اگر بر سر من نشیند آن را آباد گردانم. از قضا هما به زیر آمد و بر سر هندوی گشت. مردم شهر هندوی را پادشاه کردند و او آن شهر را ویران نمود. هندوی گفت من نشانه‌ی خشم خدایم. اگر خلق خدا نیک نیت بودند بر سر آن شخص می‌نشست اما چون بدنیتند لاجرم بر سر من نشست.

در کتاب فرهنگ نمادها در اوصاف گریفین آورده شده است: نیمه‌ی جلوی آن شبیه عقاب و نیمه‌ی پشت آن شبیه شیر و دمی نیز همانند مار دارد. ترکیب این دو جانور بلند مرتبه منسوب به خورشید (شیر و عقاب هر دو از نمادهای میترا، مهر یا خدای خورشید بوده‌اند) شخصیت ممتاز و برجسته‌ای به این موجود اساطیری می‌دهد. یونانیان باستان گریفین را وقف آپولون و نمیسس کرده بودند. گریفین نیز مانند بعضی دیگر از جانوران افسانه‌ای، ایستاده در کنار درخت زندگی وصف شده و عنوان نگهبان و محافظ جاده‌های منتهی به رستگاری را داشته است. از نقطه نظر روان‌شناسانه کتاب گریفین را نمادی از ارتباط بین انرژی فکر و روح با نیروی کیهانی موجود در طبیعت معرفی می‌کند. در هنر مسیحی قرون وسطی در نمونه نقاشی‌های مینیاتور مستعدی (متأثر از مسلمانان اسپانیا) و آثار پس از آن گریفین نقشمایه‌ای متداول بوده و در بازنمایی عناصر متضاد به کار رفته است.

هم‌چنین غیر از آنچه در باب هما ذکر شد، این نام در دو معنادر شاهنامه‌ی فردوسی آمده بجز مرغ سعادت‌بخش هما در معنای دیگر به درفشی که نقش عقاب بر سینه دارد، گفته می‌شود. باید دانست که عقاب زرین در زمان هخامنشیان نشان و علم ایرانیان بوده است.^۳ در واقع موجود ترکیبی افسانه‌ای گریفین در این دوران هما نامیده شده و بهترین نمونه‌های گریفین نیز در آثار هنری همین زمان پدید آمده است.

خاستگاه گریفین:

در جست‌وجوی ریشه‌ها و خاستگاه این موجود ترکیبی به نظریات درخور توجه کارشناسان و متخصصان باستان‌شناسی برخورد می‌کنیم اما پیش از این، نکته‌ی قابل توجه تردید در تخیلی بودن یا به عبارتی افسانه‌ای بودن موجودی چون گریفین است. الکساندر راس از باستان‌شناسان برجسته احتمال وجود جانوری با ویژگی‌های فیزیکی گریفین را در دوران باستان ممکن می‌داند و یکی از دلایل این فریضه را معمول بودن آفرینش حیوانات ترکیبی می‌داند چنان‌چه هم اکنون نیز تعدادی از جانداران ترکیبی مانند خفاش، زرافه، ماهی پرنده و... را می‌شناسیم.^۴

از طرف دیگر خانم آدرین مایر در کتاب خود *The First Fos-sil Hunters: Paleontology in Greek and Roman Times* به دنبال این است تا اسطوره‌های رم و یونان باستان را بر پایه‌ی کشفیات زیست‌شناسانه‌ی استخوان‌های جانورانی که از انقراض آن‌ها مدت‌ها می‌گذرد، نشان دهد. در فصل اول کتاب که به گریفین اختصاص دارد، مایر بین یک نوع دایناسور کوچک شاخدار به نام Pro-

این نظر مؤید فرضیه‌ای است که گریفین را متعلق به سیت‌ها (سکاها؛ ساکنان شمال آسیا) می‌داند و معتقد است عقاید و باورها حول گریفین توسط مهاجرت این قوم به نقاطی مانند ایران و یونان رفته است. اما در این میان قولی قوی‌تر خاستگاه و ریشه‌ی گریفین را مربوط به سرزمین هند و تمدن باستانی آن می‌داند. می‌توان ریشه‌ی باورها درباره‌ی گریفین را در داستان‌ها و افسانه‌های قوم هند و ایرانی نیز جست و جو کرد.^۵

اما نظر قابل توجه دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه در هنرها گریفین برای اولین بار در هنر بین‌النهرین و مصر باستان تجلی یافت.^۶ نکته‌ی دیگری که در بیشتر این نظرات مشترک است اینکه هر یک به نوعی گریفین را ساکن کوهستان‌های رفیع و متعلق به نقاطی می‌داند که از گنجینه‌های طلا برخوردار بوده و شاید از همین روست که در بحث نمادگرایی یکی از نمادهایی که به این پدیده نسبت داده می‌شود طلا، حس طلا دوستی و نگهداری و مراقبت از گنجینه‌های طلا می‌باشد.^۷

نمادشناسی گریفین:

از آن جایی که گریفین یا شیردال موجودی ترکیبی از شیر و عقاب می‌باشد از یک سو دارای برخی از نمادهای این دو موجود مقدس و باستانی است و از سوی دیگر برخی از مفاهیمی که به آن نسبت داده شده، مختص گریفین می‌باشد. از همین روی ابتدای اشاره مختصری به مفاهیم نمادین شیر و عقاب در دنیای باستان خواهد شد. شیر که از موجودات مقدس و نمادین اکثر تمدن‌های باستانی و از جمله ایران می‌باشد نماد جانوری ایزد مهر در ایران باستان بوده و حافظ و نگهبان سرزمین قلمداد شده و به مناسبت دارا بودن قدرت زیاد مظهر نیرو و قدرت، پادشاه و مظهر مبارزه معرفی شده است. شیر مهم‌ترین نماد مهر است چرا که وی چهارمین مرتبه از مراتب ایزد مهر و نخستین مرتبه از مراتب اعلی به شمار می‌رفت.^۸

عقاب را تیز پروازترین و قدرتمندترین پرنده‌ی آسمان می‌دانستند و برای آن احترام و تقدس خاص قایل بودند تا حدی که عقاب برای آنان خدای پرواز، اقتدار و تعالی نیز به شمار می‌رفت. در ایران باستان عقاب نشانگر عقاید مذهبی بوده و با بال‌های گسترده نشانه‌ی برتری، حمایت و مظهر خدای توانایی بوده است. بنابراین می‌توان دریافت که شیردال یعنی ترکیب دو جانوری که یکی شاه حیوانات و دیگری فرمانروای آسمان‌ها دانسته‌اند، تجلی و مظهر چه مفاهیمی بوده است.^۹

مهم‌ترین نمادی که به گریفین نسبت داده شده خورشید است. متخصصان هنر باستان گریفین را موجودی شرقی و آن را نماد خورشید و روشنایی می‌دانند.^{۱۰} گریفین یا شیردال نمادی از قدرت عظیم پادشاه، نیروی فوق‌العاده و توانایی لشکریان و همچنین نیروی محافظ و نگهبان بوده است. از دیگر مفاهیم می‌توان به خوش یمنی و خجستگی این موجود

اشاره کرد چنانچه در زمان ساسانیان نقش آن بر روی منسوجات و ظروف مفهوم خیربودن زندگی را برای دارنده‌ی آن داشته است. در برخی نقوش اولیه گریفین در کنار درخت زندگی تصویر شده که می‌توان آن را در راستای همان نگهبانی و محافظت از شر نیروهای اهریمنی تأویل کرد.^{۱۱}

هندویان گریفین را منسوب به خدای خورشید فرض کرده و یونانیان باستان وی را با آپولون، آتنا و دیونیسوس مرتبط می‌دانستند و او را وقف آپولون نمیسس کرده بودند چنانچه پیشتر گفته شد این موجود سمبل طلا و فلزات گرانبها بوده و از این رو وی را نگهبان گنجینه‌ها و خزائن نیز می‌دانستند.^{۱۲}

از معروف‌ترین ویژگی‌هایی که در توصیف شخصیت گریفین نقل شده طلا دوستی است که برخی این را از طریق نمادشناسی توضیح می‌دهند. چنانچه طلا نمادی از خورشید است و از آن جا که گریفین وقف شده‌ی خدای خورشید می‌باشد ارتباط این دو طبیعی به نظر می‌رسد. همچنین نوشته شده که گریفین غریزه‌ی طبیعی برای یافتن طلا، زمرد و دیگر گنجینه‌های مدفون دارد و از همین رو با انسان‌هایی که قصد سرقت گنجینه وی را داشته‌اند، دشمنی داشته است. نیز این باور بوده که



سردیس گریفین، ۵۰۰ ق. م، زیویه.

تخم این پرنده‌ی افسانه‌ای از جنس عقیق بوده و استفاده‌ی معجزه‌آمیز پر این جانور در درمان کوری و بینایی‌بخشی به وی نسبت داده می‌شود. (این باور، داستان شاهنامه درباره‌ی شفابخشی پر سیمرغ در درمان زخم‌ها را به خاطر می‌آورد) نیز در دوران هخامنشی این پرنده نمادی از مفهوم خردورزی ایرانیان بوده است. از دیگر مفاهیم نمادین گریفین، سرشت و طبایع دوگانه می‌باشد یا به عبارت دیگر تضاد طبایع مخالف مانند خیر و شر، شب و روز، خورشید و ماه. چنان‌چه از یک طرف گریفین سمبل خورشید بوده و از طرف دیگر سمبل تضاد و جنگ بین خورشید و ماه. نقش گریفین همه جا بازگو کننده‌ی صفات مثبت مانند حمایت کننده و نگهبان، قدرتمند، وفادار و موجود نجیب و شریف نبوده است چنان که در بعضی از باورها و هنرها نیروی شر نیز به آن نسبت داده شده است که می‌توان در این راستا به اسطوره‌های بین‌النهرین مانند اسطوره‌های بابلی، سومری و آشوری اشاره کرد.

از جمله بین اسطوره‌های سومر، حماسه‌ی انزو مشهور است. در این حماسه، انزو که جانوری پرنده شکل با سر عقاب و شبیه به گریفین در نقش برجسته‌ها تصویر شده، پرنده‌ای شرور و غاصب و جاه‌طلب است و در نهایت نیز اگر چه فرزند انو (خدای آسمان: خدای بزرگ دوران سومری) است لیکن قهرمان حماسه (نینورته: یکی از خدایان جنگ) او را شکست می‌دهد.^{۱۳} همین اسطوره روایت بابلی هم دارد تنها با این تفاوت که قهرمان حماسه شخص دیگری است (نینگیرسو: خدای حامی شهر نینگیرسو) جالب توجه اینکه نینگیرسو از خدایان سومری هم بوده و توسط مردم لاگاش مقدس شمرده می‌شده، نشانه‌ی مخصوصش عقاب شیرسر است. جانورانی خیالی شبیه به گریفین در حماسه‌ی بابلی انو یا الیش در توصیف نبرد وروک (خدای پهلوان) با دیوان پیر (تیامات) نیز ذکر شده است. در نمونه‌ای نیز، جنگ همین قهرمان یا خدا در حال جنگ با طرحی از سیمرغ ساسانی



جانوری که نیمه شیر و نیمه عقاب است، نشان داده شده است. پوپ تصور می‌کند این پیکره نماد خورشید است و باید کشته شود تا زمین از حرارت آن نسوزد.^{۱۴}

شاید همین باورهای مردم بین‌النهرین بوده که در دوران هخامنشی نیز از آن تأثیر گرفته و در کنار شیردال یا هما که مظهر نمادین مفاهیم مثبت و خیر بوده، موجودات هیولایی نیز شبیه به گریفین با سر و بدن و دست‌هایی همانند شیر و تنی پوشیده از پر و بال و پاهای چنگال‌دار در حال مبارزه و کشمکش شاه با ایشان تصویر شده است.^{۱۵}

گریفین در آثار هنری ایران پیش از اسلام و ویژگی‌های فرمی آن:

نقش گریفین در آثار هنری پیش از اسلام را در سه بخش یا دوره‌ی زمانی می‌توان معرفی کرد: دوره‌ی پیش تاریخی، دوره‌ی هخامنشی و دوره‌ی ساسانی.

اما پیش از این با توجه به تأثیرپذیری هنر ایران از هنر بین‌النهرین لازم است ابتدا اشاره‌ای به نمونه‌های این نقش در هنر بین‌النهرین شود. آثاری که منقوش به تصویری شبیه به گریفین بوده و از هنر بین‌النهرین باقی مانده است بیشتر شامل مهرهای استوانه‌ای است.

- بر مهرهای استوانه‌ای متأخر آشوری ستیزه خدایان آشور با جانور شیرمانند بال‌دار نشان داده شده است. هم‌چنین در مهری قهرمان یا خدای پهلوان در حال جنگ با جانوری که نیمه شیر و نیمه عقاب است، تصویر شده است.

- در نقش برجسته‌ی دیگر آشوری مربوط به ۸۰۰۰ ق.م موجودی ترکیبی با بال و سر عقاب و بدنی پوشیده از پر اما دارای پا در حال برخاستن از زمین تصویر شده است.

- از آن جایی که عقاب یکی از حیوانات مطرح در اسطوره‌های بین‌النهرین می‌باشد در بسیاری از مهرهای استوانه‌ای به جای مانده می‌توان نقش عقاب را دید. در این تصاویر پرنده به شکل نیمه انتزاعی حک شده است. در تصویری یک مهر استوانه‌ای از سنگ سماق دیده می‌شود که در بخشی از آن آتیه (از خدایان بین‌النهرین) بر پشت عقاب منقوش شده است.^{۱۶}

- هیچ یک از نمونه‌های فوق شباهت به گریفین‌های هنری ایران ندارند. لیکن در نقش برجسته‌ای از کاخ نینورته در نمود تأثیرپذیری شکل و فرم گریفین هنر ایران از این اثر کاملاً واضح و روشن است. در این تصویر که به یکی از حماسه‌های معروف بین‌النهرین یعنی حماسه انزو اشاره می‌کند، انزوی شرور و پرنده شکل در حال فرار از دست قهرمان داستان یعنی نینورته (خدای جنگ) می‌باشد. با این که بدن پوشیده از پر انزو با نقوش ایرانی، نزدیکی ندارد اما فرم سر پرنده، حالت چشم‌ها و از همه مهم‌تر گوش‌ها و حتی پنجه‌های دست وی کاملاً شبیه به گریفین‌هایی است که بعدها در آثار هخامنشی پدید آمده‌اند. همین فرم گوش به سمت بالا در بعضی از گریفین‌های هنر ایران به سمت پایین و خوابیده روی صورت است یا عیناً مانند نمونه‌ی مورد اشاره به طرف بالا است. تنها تفاوتی که در اعضای صورت پرنده‌ی ترکیبی بین‌النهرین با نمونه‌های ایرانی دیده می‌شود، فرم منقار پرنده است.



اثر یک مهر استوانه‌ای
که نینورته را کمان کشیده
در حال دنبال کردن
انزوی پرنده (با سر عقاب)
نشان می‌دهد،
بین‌النهرین.

گرفین در آثار هنری پیش از اسلام:

۱ - دوره‌ی پیش تاریخی: نقوش گرفین به دست آمده از این دوره مربوط به تپه مارلیک، لرستان و زیویه می‌باشد. هم‌چنین آثاری با نقش موجودات ترکیبی با سر پرنده و بدن چهارپا از ناحیه املش حسنلو به دست آمده است. نقش عقاب نیز روی ظروف سفالی یا مهرهای استوانه‌ای ایران باستان بسیار مشاهده می‌شود. از جمله مهرهای استوانه‌ای ایلام و روی گوزه‌های سفالی سیلک کاشان عقاب با بال‌های گسترده منقوش است. در کاشی‌های شوش (مربوط به اواخر هزاره‌ی سوم) مدال زرین با نقش عقاب با بال‌های گشوده دیده می‌شود، هم‌چنین آثار مفرغی لرستان، آثار مکشوفه در حوالی املش و مارلیک و کاسه‌ی زرین حسنلو (اوایل هزاره‌ی دوم قبل از میلاد) نیز مزین به نقش عقاب می‌باشد. اما قدیمی‌ترین نمونه‌ی گرفین در هنر ایران روی ظروف فلزی مکشوفه از تپه مارلیک دیده شده است. جام‌های فلزی به دست آمده از مارلیک به حدود ۳۰۰۰ سال پیش یعنی اواخر هزاره‌ی دوم و اوایل هزاره‌ی اول قبل از میلاد می‌رسند. از اشیاء مکشوفه در این ناحیه که تعدادی از آن‌ها از شاهکارهای هنری و آثار نفیس هستند و اشیایی می‌باشند که در آرامگاه‌های مارلیک یافت شده‌اند، می‌توان پی برد که اقوام مارلیک دارای عقایدی راجع به دنیای دیگر بوده‌اند و برای تأمین زندگانی اخروی احتیاجات مرده را در آرامگاه وی قرار می‌دادند. بر روی جام طلایی مارلیک چهار شیردال در چهار طرف لبه‌ی بالایی ظرف با نقش برجسته تصویر شده‌اند. نیمه‌ی جلویی این موجودات کمی به عقاب واقعی نزدیک شده اما با این حال تأکید بر جنبه‌ی پرنده بودن این موجود، قوی نیست. تأثیر و ارتباط ساخته‌های هنری از ادبیات روی جام‌های مکشوفه مارلیک به خوبی مشهود است. مسلماً نقش شیردال روی این جام از ادبیات و داستان‌های اولیه سرچشمه گرفته است و ارتباط و تأثیر ادبیات این اقوام روی ساخته‌های هنری را به خوبی نمایان می‌کند.^{۱۷}

چنان‌چه گفته شد در بین آثار مفرغی لرستان نیز بعضاً نقش عقاب دیده می‌شود اما به طور مشخص روی یکی از این آثار دو موجود ترکیبی

با سر عقاب و بدن شبیه به شیر و دیده می‌شوند البته این دو موجود فاقد بال و چنگال می‌باشند.^{۱۸} این موجودات شبیه به شیردال در دو طرف درخت زندگی در حال محافظت و مراقبت از آن هستند. فرم منقار کاملاً طبیعی و عقاب بودن نیمه جلو کاملاً محرز است. یکی دیگر از نمونه‌های گرفین سرویس طلایی کوچک به بلندی ۸ سانتی‌متر است که از زیویه‌ی کردستان به دست آمده و مربوط به قرن پنجم قبل از میلاد است. این سر گرفین همراه با پنجه‌های شیر و منقار گشوده با ترکیب هنری زیبا کار شده است. از دو طرف، سر دو گوش برجسته دیده می‌شود که در نمونه‌های قبلی هنر ایران به این وضوح دیده نمی‌شد.^{۱۹}

گرفین در دوره‌ی هخامنشی:

نمونه‌های گرفین یا شیردال دوران هخامنشی به تاریخ ۵۰۰ قبل از میلاد برمی‌گردد. از لحاظ فرم هنری این موجودات خاص دوران هخامنشی شده‌اند و بیشترین نمونه‌ها و به یادماندنی‌ترین گرفین‌ها را در بین تمام دوران‌ها نمایش داده‌اند. گرفین‌های هخامنشی از اندازه‌های بزرگ برای سرستون تا ابعاد کوچک برای زیورآلات ساخته شده‌اند. سرستون‌هایی با نقش این موجودات شکل ساده‌تری دارند و در زیورها و نقش برجسته‌ها تزئینات و ریزه‌کاری‌ها در اجرای بال، پیکربندی خشن و قدرتمند بدن، نوع ایستایی، تزئین قسمت سر، گوش و... بسیار زیبا در سبک هخامنشی و خوش پرداخت است. یکی از نقوش شناسایی شده در حاشیه‌ی کنار قالی پازیریک از دوران هخامنشی گرفینی دیده می‌شود که به صورت یک در میان همراه با شیر بال‌دار تکرار شده است. از آنجا که هنر هخامنشی تمایلی به نمایش صحنه‌های واقعی از خود نشان نمی‌دهد و در نماد و نشانه‌های رمزی جلوه‌گر می‌شود موضوع‌های اساطیری قدیم به صورت خلاصه شده در کار هنری بیان شده است. این موضوع‌ها تنها به صورت مظاهر یا علاماتی است که بعداً در طول تاریخ ایران از آن‌ها تقلید یا اقتباس شده است.

از همین رو گرفین‌های هخامنشی که در این دوران بیشتر به هما معروف‌اند فرمی کاملاً استیلیزه شده و انتزاعی دارند. گوش‌ها در طرفین

به طرف بالا جزء لاینفک هما هستند. تأثیرپذیری از هنر بین‌النهرین را در شکل‌گیری فرم گریفین در این دوران نباید از نظر دور داشت.

نوع دیگر گریفین که مختص دوران هخامنشی و از ابداعات این زمان می‌باشد گریفین شاختاری است که در نمونه‌های زیورآلات هخامنشی دیده می‌شود. روی این زیورآلات (بازوبند یا دستبند) به ترکیب سر عقاب و دست‌های شیر با پنجه پرنده، دو شاخ نیز اضافه شده است. اضافه کردن شاخ جنبه‌ی احترام و تقدس این موجود را مضاعف می‌کند. چنان‌چه در بخش نمادشناسی بیان شد نقش گریفین در همه‌ی موارد تنها مظهر و نماد مفاهیم خیر و مثبت نبوده بلکه بعضاً در معنای متضاد و طبایع دوگانه نیز در هنرها ظاهر شده،^{۲۰} یعنی اتفاقی که در هنر بین‌النهرین رخ داده است. لیکن در هنر هخامنشی نیز موجودی ترکیبی شبیه به عقاب و شیر در نقش برجسته‌ها کار شده که قطعاً موجودی غیر از هما بوده است. در این نوع ترکیب‌بندی پادشاه در حال جدال با این موجود افسانه‌ای است. در قصر صد ستون متعلق به ۴۸۰ قبل از میلاد، چهار در طرفین تالار وجود دارد که شاه را در حال جدال با موجودات تلفیقی نشان می‌دهد. در یکی از تصاویر پادشاه در حال مبارزه با موجودی است که سرش به شکل سر یک مرغ شکاری چون عقاب و دمش دم شیر است.

گریفین در دوره‌ی اشکانی و ساسانی:

نقش گریفین در هنر اشکانی از اهمیت کمتری نسبت به گذشته برخوردار است. آخرین نمونه از گریفین به شکل و ترکیبی که تا آن زمان متداول بوده در هنر اشکانی بر روی بشقاب نقره‌کوب و طلاکوب پارتی موجود است. از جمله بشقاب گوژکاری که تصویر گریفین روی آن دارای بدن شیر است، پنجه‌های عقبی نیز شیرگون

بوده، حالت سر برگشته و متأثر از هنر هخامنشی است لیکن شکل سر و قسمت انتهایی بدن با نمونه‌ی هخامنشی کاملاً تفاوت دارد. همچنین روی تعدادی از طلسم‌های اشکانی نقش گریفین دیده می‌شود. در یکی از این تصاویر، ارد سوم که به شکل بال‌دار منقوش شده سوار بر موجودی شبیه گریفین دیده می‌شود.^{۲۱} (مربوط به سده دو تا سه قبل از میلاد).

بدن و پنجه‌ی گریفین روی این طلسم‌ها جواهر نشان است. از نظر فرم تأثیر هنر یونان را بر گریفین‌های اشکانی می‌توان مشاهده کرد. نقش عقاب در زمان ساسانی از اهمیت بالایی برخوردار است. در بسیاری از آثار ساسانی، نقش عقاب یا تنها بال‌های عقاب تصویر شده اما نقش شیردال

یا گریفین به شکلی که تا پیش از این رایج بود در این دروه تغییر می‌کند. به این معنی که آنچه تا به حال عنوان گریفین یا شیردال داشته موجود ترکیبی است که مشخصاً سر عقاب دارد، اگرچه در بقیه‌ی قسمت‌ها تفاوت‌های فرمی بین گریفین‌ها وجود دارد. در زمان ساسانی نقش پرنده‌ای رایج و متداول می‌شود که به سیمرغ ساسانی معروف است. این پرنده ترکیبی است از بدن شیر سری شبیه به سگ یا شیر با بال‌ها و چنگال عقاب و بعضاً دم‌ی از پرهای طاووس.^{۲۲} بعضی وی را ازدهای بال‌دار ساسانی نیز نامیده‌اند. در هر صورت این فرم جدید که نشان ایران ساسانی بوده تا پیش از آن به این شکل در آثار هنری سابقه نداشته است. این پرنده‌ی اساطیری و غول‌آسای ایرانی که به طور عموم در تمام آثار هنری ساسانی از فلز، سنگ و منسوجات دیده می‌شود مفهوم رسانیدن خوشبختی و به خیر بودن زندگی را برای دارنده آن داشته است.^{۲۳} همان‌طور که گفته شد به نظر می‌رسد سیمرغ ساسانی همان گریفین یا شیردال هخامنشی است که هر دو ریشه مشترک در ادبیات و داستان‌های اسطوره‌ای و متون پهلوی و سروده‌های مذهبی هند و ایرانی دارند. با پذیرش این احتمال نمونه‌های سیمرغ ساسانی را می‌توانیم به این بخش اضافه کنیم. بیشترین نقش بر روی یافته‌های ساسانی همین نقش سیمرغ‌گونه است اما فرم خاص دیگری شامل تصویر شیر و عقاب دوسر می‌باشد. اما در کنار این نقش قالب فرم دیگری از ترکیب شیر و عقاب در هنر ساسانی دیده می‌شود که به زعم نویسنده کاملاً ویژگی‌های فرمی گریفین را داشته و می‌تواند مشخصاً عنوان گریفین به خود بگیرد. اگر چه برخی آن را شاهین و برخی سیمرغ نامیده‌اند. در روی کاسه‌ی سیمین که جریان تاج‌گذاری بهرام چهارم را نشان می‌دهد پایه‌های تخت از دو گریفین تشکیل شده است.^{۲۴} سر این موجود شبیه به عقاب (منقار وی کاملاً شبیه به منقار عقاب است با بدن شیر مانند دارای دو بال کوچک گشوده در طرفین است. تفاوت‌های فرمی این گریفین با اسلاف خود را می‌توان پردازش تقریباً طبیعت‌گرایانه بدن جانور (با تأکید بر ماهیچه‌ها) و کوچک بودن جثه بدن نسبت به سر عقاب‌گونه آن دانست. شاید دلیل آن تأکید بیش از حد روی نقش عقاب در زمان ساسانی می‌باشد.

تداوم نقش پرندگان اساطیری چون گریفین، سیمرغ یا عنقا که ظاهراً صورت‌های تکثیر یافته یک باور و اسطوره هستند را در هنر دوره‌ی اسلامی نیز می‌بینیم.

نتیجه‌گیری:

در ارتباط با موجود افسانه‌ای - ترکیبی مورد بحث می‌توان گفت این موجود به طور



جام طلائی مارلیک، اولین نمونه طرح گریفین در هنر ایران،

10-w eb.uk online.co.uk

11-penebpe. uchicago.edu/.../gryphon in symbolism

12-Cirlot. J.e. A Dictionary of Symbols. P:133

۱۳- هنریتا مک کال. اسطوره های بین النهرین. ص ۹۱

۱۴- حمیدرضا محبی. مطالعه و بررسی نقوش شکاردر هنر ایران، ص ۷۸

۱۵- همان. ص ۱۰۷

۱۶- هنریتا مک کال. ص ۸۷

۱۷- عزت الله نگهبان. حفاری های مارلیک، صص ۳۰۹ و ۳۱۱

۱۸- آندره گذار. هنر ایران. صص ۵۸ و ۵۷

۱۹- مهرناز کرمی، ص ۹۴

20-www.isidone-of-seville

۲۱- حمیدرضا محبی، ص ۱۱۷

۲۲- فتانه محمودی. بررسی نقوش تزئینی هنردوره ساسانی. ص ۱۵۵

۲۳- همان. صص ۱۲۸ و ۱۳۰

۲۴- وستا سرخوش کرتیس. اسطوره های ایرانی. ص ۱۴

منابع:

۱. خلف تبریزی، محمدحسین. برهان قاطع، تهران: نشر نیما.

۲. عرب گلپایگانی، عصمت. اساطیر ایران باستان، ج اول. تهران: انتشارات هیرمند، ۱۳۷۶.

۳. کرتیس، وستا سرخوش. اسطوره های ایرانی. عباس مخبر تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۱.

۴. گدا، آندره. هنر ایران. حبیبی، بهروز. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.

۵. مک کال، هنریتا. اسطوره های بین النهرین. عباس. مخبر، تهران: نشر مرکز، ۱۳۳۳.

۶. طوسی، محمدین محمودین احمد. عجائب المخلوقات. به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.

۷. نگهبان، عزت... حفاری های مارلیک، ج اول. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۸.

۸. کرمی، مهرناز. بررسی تأثیرات متقابل موجودات افسانه ای - ترکیبی دو تمدن کهن ایرانی و بین النهرین بر یکدیگر با تأکید بر شکل و معنا، دانشگاه تربیت مدرس.

۹. محبی، حمیدرضا. مطالعه و بررسی نقوش شکار در هنر ایران. دانشگاه تربیت مدرس.

۱۰. محمودی، فتانه. بررسی نقوش تزئینی هنر دوره ساسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

11. Cirlot, j. e. A dictionary of symbols. Translated from the Spanish: Sage, Jack, Routledge and Kegan-paul. London: 1971.

12. Hawkings, joycem. The oxford reference dictionary. Oxford university press. Newyork: 1986.

13. Mayor, Adrienne. The first fossil hunters: pale-ontology in Greek and Roman times. Prinston univer-sity press, newjersy: 2000

14. peenepe. Uchicago. Edu

15. touregypt. Net

16. web.ukonline. co. uk

17. www. Eaudrey. Com

18. www. Isidone-of-seville



حتم دارای ماهه های افسانه ای، آیینی و مذهبی بوده و شاید بتوان گفت پیدایش آن به نوعی باور عمومی کهن بازمی گردد.

گریفین یا شیردال متشکل از سر عقاب و بدن شیر ریشه در داستان های کهن ملل مختلف دارد و در هنر هند، ایران، بین النهرین، مصر، یونان و... بروز و ظهور یافته است. هم چنان که با فرم های بعضاً متفاوت بین هنر اقوام مختلف و دوران تاریخی گوناگون تجلی یافته نام های متفاوت و خاستگاه های گوناگونی نیز برای آن ذکر شده است. برخی خاستگاه این موجود را شمال آسیا و متعلق به سبت ها (سکاها) می دانند. نظر برای نیز ریشه ی این پرنده افسانه ای را در هند یا داستان های هند و ایرانی جست و جو می کنند. شیردال یا هما نماد مفاهیم گوناگونی چون قدرت، خردورزی، مظهر پادشاه، سعادت و خوشبختی (در ادبیات ایران و در دوره ی هخامنشی این پرنده ی هما نامیده می شود) نگاهبانی و محافظت از سرزمین، خزاین و گنجینه ها و درخت زندگی و... بوده است. نخستین نمونه های گریفین در هنر ایران در جام هنر طلایی مارلیک اوایل هزاره ی اول قبل از میلاد دیده شده است. فرم آن در طول تاریخ دچار تحول شده در دوران هخامنشی تحت تأثیر هنر بین النهرین دو گوش رو به بالا به سر عقاب گونه پرنده اضافه می شود و در دوره ی ساسانی این پرنده در نقش سیمرغ ساسانی (بدون سر عقاب گونه) ظاهر می شود. در ارتباط با فرم های مختلف گریفین می توان این گونه نظر داد که نمونه های هخامنشی این موجود اسطوره ای بیشتر تحت تأثیر هنر بین النهرین و مشخصاً یک نمونه مهر آشوری قرار دارد. سایر موارد به احتمال زیاد از هنر مارلیک تأثیر پذیرفته است که در هر زمان بنا به شرایط قومی و هنری و باورهای زمانه تغییراتی در آن ایجاد شده است. البته حتی در نمونه های هخامنشی نیز احتمال تأثیر مارلیک را نمی توان نادیده گرفت.

پانویست ها:

1-Hawkins. Theoxford Reference Dictionary. P:308.

۲- مهرناز کرمی. بررسی تأثیرات متقابل موجودات افسانه ای- ترکیبی دو تمدن ایران و بین النهرین. ص ۷۴

۳- همان. ص ۳۲۵

4-peenepe. uchicago. edu/.../Grifphon origins

۵- همان

6-web.uk online.co.uk

7-www.eaudrey.com /myth/griffin.htm

۸- مهرناز کرمی. ص ۲۳۷